

روزنامه حبل المتین؛ ۳۹ سال پیکار علیه بی عدالتی‌ها

(همراه با شرح حال مؤید الاسلام)

عنايت الله رحمانی^۱

تاریخ روزنامه نگاری در ایران را اگر به سال ۱۲۵۳ هـ ق یعنی انتشار طلیعه روزنامه بی نام «کاغذ اخبار» میرزا صالح شیرازی در نظر بگیریم، سابقه روزنامه نگاری در ایران به ۱۷۶ سال قبل می‌رسد. سرزمین ما ایران و زبان فارسی زبان ملی است اما گویا نخستین نشریه فارسی زبان در کشور هندوستان منتشر شده است. در اواخر قرن نوزدهم میلادی (قرن سیزدهم هجری) ایرانیان آزادیخواه که نمی‌توانستند در ایران با حکومت ناصرالدین شاه مبارزه کنند، در گوشه و کنار جهان با انتشار روزنامه به مبارزه با اهریمن جهل و استبداد برخاستند. میرزا ملکم خان روزنامه «قانون» را در لندن منتشر نموده و نسخه اول آن را برای ناصرالدین شاه فرستاد و به جنگ کوه منجمد فکری او رفت تا به تدریج آن را آب کند. ناصرالدین شاه سخت تزلزل روحی پیدا کرد. او بیشتر از این امر به وحشت افتاد که روزنامه «قانون» مخفیانه به دربار رسیده و اطرافیانش از محتوی آن که درباره قانون سخن می‌گفت، آگاه شده بودند.

روزنامه دیگر «اختر» بود که در سال ۱۲۹۲ هـ ق (۱۸۷۵م) در استانبول منتشر شد

۱ کارشناس ارشد بازنشسته کتابخانه ملی و اولین گردآورنده و ناشر مطبوعات عصر قاجار بصورت متون برگزیده در آن کتابخانه.

و مدیر آن محمداطاهر تبریزی و نویسنده عمده آن میرزا نجفقلی خان تبریزی بود. روزنامه «حکمت» نیز در سال ۱۳۱۰ هـ ق (۱۸۹۲م) در مصر و به مدیریت میرزا مهدی خان تبریزی (زعیم الدوله) منتشر می‌شد. روزنامه «ثریا» هم به سال ۱۳۱۶ هـ ق (۱۸۹۸م) در مصر به مدیریت میرزا علیمحمدخان کاشانی و بعد توسط سید فرج الله خان کاشانی انتشار می‌یافت.

آخرین روزنامه قرن نوزدهم میلادی روزنامه «پرورش» در مصر بود که به مدیریت میرزا علیمحمدخان منتشر می‌شد.

روزنامه اختر از جمله جرایدی بود که مدیر آن با مقالات کوبنده علیه اعطای امتیاز تنباکو به «تالبوت» انگلیسی برخاست. محمداطاهر تبریزی وقتی دریافت که حاج میرزا حسن شیرازی مجتهد بزرگ شیعه، حکم تحریم تنباکو را داده است دست به قلم برد و علیه این امتیاز به مبارزه برخاست. اما پیشتر از همه روزنامه «حبل المتین» چاپ کلکته به مدیریت سید جلال الدین حسینی کاشانی ملقب به «مؤیدالاسلام» بود که با مقالات پرشور و انتقادی و با قلم شیوای خود علیه سیستم حکومتی آن روز ایران مبارزه می‌کرد و در بین ایرانیان خارج و داخل کشور با اقبال فراوان روبرو بود. این نشریه به وسیله نمایندگانش بیشتر در شهرهای مختلف ایران و به موازات آن در کشورهایی که مردمش به زبان فارسی آشنایی داشتند منتشر می‌گردید.

حاج زین العابدین نقی اف، تاجر معروف، ثروتمند و نیکوکار ایرانی مقیم باکو که سهامدار شرکت نفت باکو بود، تعداد ۱۰۰ شماره از آن روزنامه را پیشاپیش مشترک شده بود تا مؤیدالاسلام برای مراجع و علمای شیعه ایرانی عتبات ارسال کند، بدین طریق علما و طلاب حوزه‌های علمیه در جریان رویدادهای سیاسی ایران و جهان قرار می‌گرفتند.

محققین تاریخ روزنامه نگاری تاریخ انتشار اولین شماره روزنامه حبل المتین را در سال ۱۳۱۱ هـ ق مطابق (۱۸۹۳ م) بیان می‌کنند. علی رغم تلاش فراوان، نگارنده تاکنون موفق به رؤیت شماره نخست این روزنامه نشدم، ولی از سال سوم تا سال سی و نهم روزنامه را موفق به گردآوری و چاپ یا تکثیر اندک لیزری شدم. روزنامه حبل المتین از سال سوم تا شماره ۱۶ از سال هفتم آن به صورت چاپ سنگی، و در قطع رحلی بزرگ منتشر می‌شد اما از شماره ۱۷ سال هفتم به بعد به چاپ سربی تغییر یافت.

درباره شکل روزنامه مطلبی آورده نمی‌شود و نمونه‌ای از صفحه اول چاپ سنگی و چاپ سربی آن عیناً آورده می‌شود.

شرح حال مؤید الاسلام^۱

سید جلال الدین مؤید الاسلام شنبه ۱۲ رجب ۱۲۸۰ هـ ق در کاشان محله کله‌ر از بطن خانم سلطان دختر آقای میر محمدعلی شیخ الاسلام به دنیا آمد و عندلیب کاشانی در قصیده‌ای که برای تبریک مولود تقدیم پدر او مرحوم سید محمدرضا مجتهد کاشانی نمود تاریخ تولد او را در این الفاظ گنجانده است: «بلغ المعالی بجلال». خاندان وی پدر بر پدر اهل علم و اجتهاد بوده اند.

برادر کوچک آقای مؤید الاسلام میر سید حسن کاشانی مدیر روزنامه یومیه جبل‌المتین تهران و در مشروطیت ایران خدمات زیادی کرده است. پس از بمباران مجلس پنج نفر را محمدعلی میرزا از تهران بیرون کرد که عبارت بودند از میر سید حسن کاشانی، تقی زاده، پیرنیا (معاذ السلطنه)، صدیق حرم، ودخو مدیر صوراسرافیل. برادر بزرگ آقای مؤید الاسلام حاجی سید محمدعلی معروف به آقا بزرگ بوده است.

خواهر او فرخ سلطان که قبل از عروسی فوت کرد و ملک خانم که در [حال] حیات می‌باشد. همشیره زاده او آمیرزا خلیل الله اکنون مجتهد مسلم کاشان است.

آقای مؤید الاسلام تحصیلات ابتدایی یعنی فارسی و مقدمات عربی را در کاشان سپری نموده، پس از فوت پدر با برادر بزرگ خود برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفته. بدو در مدرسه حکیم خدمت حجه الاسلام مرحوم عبدالمعالی [ابوالمعالی؟] به تعلیم سطوح پرداخت سپس در مدرسه صدر در درس آخوند ملا محمد کاشانی و آیت الله شریعت حاضر شد. پس از پنج سال توقف در اصفهان به کاشان بازگشت و از آن جا به تهران و خراسان مسافرت کرد. از خراسان به عراق عرب رفت و در سامره خدمت آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی به دروس خارج پرداخت. در

۱. به نقل از مجله ارمغان شماره ۵ و ۶ سال دهم (مرداد و شهریور ۱۳۰۸ شمسی)

(این مطالب را آقای ایرانپرست فرزند داعی الاسلام که خود مدتی ساکن هند بوده و از نزدیک مؤید الاسلام را می‌شناخته، نوشته است. همچنین نامبرده قسمت عمده این شرح حال را از روی یادداشت های خانم فرخ سلطان مؤیدزاده دختر مؤید الاسلام جمع و تدوین کرده است.

سال ۱۳۰۵ قمری با اجازه مرحوم میرزا به بندر عباس رفت. در مدت چهل و پنج روز توقف خود در بندرعباس با سیدجمال الدین اسدآبادی بوده و با سیدجمال الدین از بندر عباس روانه شیراز و اصفهان و تهران گردید. آقای مؤیدالاسلام به عمانات رفت. آن ایام حکومت عمانات با سید ترکی پسر سید سعید بود. از ملاحظه وضع عمانات متأثر شد. مکتوبی به میرزا علی اصغرخان امین السلطان که آن اوقات در دربار ناصرالدین شاه شخص اول بود فرستاد و توضیح داد که هنوز امام مسقط کاملاً تحت نفوذ انگلستان نیامده است، اگر دولت ایران اندک توجهی نماید ممکن است آب رفته به جوی باز گردد، اما به پیشنهاد وی ترتیبی داده نشد. پس از یک سال نیم توقف از عمانات و سیاحت کامل آن نقاط آقای مؤیدالاسلام به جانب هندوستان حرکت کرد و در سال ۱۳۰۸ هـ ق وارد بمبئی شد. علت آمدن وی به هند بیماری بود که به واسطه هوای صفحات جنوب عارض او شد و چون در بمبئی صحت کامل یافت به طرف مشرق هندوستان حرکت کرده و پس از سیاحت مدرس، رنگون، سنگاپور و نپانگ وارد کلکته گردید. از کلکته برای دیدن شهرهای معروف شمالی هند بازگشت و برای تحصیل معاش شروع به تجارت کرد.

طلوع روزنامه حبل المتین

آن اوقات یعنی سال ۱۳۱۱ ق سیدجمال الدین اسدآبادی در انگلستان و میرزا ملکم خان وزیر مختار دولت علیه در لندن بود. در نتیجه مکاتبات متوالی بین سیدجمال الدین و میرزا ملکم خان و آقای مؤیدالاسلام چنین رأی قائم شده بود که انقلاب فکری که ایران احتیاج شدید به آن داشته فقط بایستی در سایه جراید تولید شود. بدین طریق که جراید مسلک واحده را پیوسته تعقیب و افکار ایرانیان را مهیای انقلاب نمایند.

روزنامه قانون از لندن منتشر می شد و حبل المتین در کلکته به تاریخ دهم جمادی الثانیه ۱۳۱۱ هـ ق چاپ و توزیع شد. حبل المتین در برقرار کردن مشروطیت و تقدیر افکار ایرانیان و برانداختن خاندان قاجار عضو مهم است، برای آشنا شدن علما و روحانیان تا ده سال متوالی هر هفته پنج هزار نمره حبل المتین مجاناً در میان روحانیون منتشر می شد. حبل المتین در ایران، هند، عراق، مصر، ترکیه و روسیه نماینده داشته است.

و در اوائل مشروطیت هر هفته قریب سی و پنج هزار نمره چاپ می‌شد. با وجود همه این‌ها همواره اداره حبل‌المتین زیربار قرض بوده است، زیرا که منظور مدیر آن خدمت به وطن بوده است نه جلب فایده مادی و اینک نیز که انتشار آن منحصر به دو سه هزار نمره می‌باشد وضعیت اقتصادی آن خوب نیست و مدیر آن با وجود پیری دارای افکار اولیه و جوش ایران پرستی است و تمام امور روزنامه را شخصاً اداره می‌نماید. حبل‌المتین در این سی و نه سال انتشار چهل و سه بار توقیف شده است، به طور ناقص و کامل. توقیف کامل ممنوع شدن آن از طرف حکومت هند بوده و از ورود به ایران، عراق، افغانستان و ترکیه چندین بار ممنوع گردیده است. ده نوبت حکومت هند آقای مؤیدالاسلام را که عازم حرکت از هندوستان بوده است محجر ساخته است، چند بار حکم تبعید به وی از طرف حکومت هند صادر شده است و از این طریق خسارات بزرگی به او وارد گردیده است. آقای مؤیدالاسلام در این مدت تنها به انتشار حبل‌المتین اکتفا ننموده است، در سال ۱۳۱۵ هـ ق روزنامه «مفتاح ظفر» را که علمی و دارای چند مقاله سیاسی نیز بود منتشر کرد. در سال ۱۳۱۷ هـ ق روزنامه «آزاد» را چاپ کرد که یک روزنامه هفتگی سیاسی بود و تا مدتی منتشر می‌شد. در همان سال روزنامه یومیه «کلکته» را به زبان اردو منتشر می‌کرد، برای این که مسلمانان هند را با خیالات خود آشنا سازد. در سال ۱۳۲۱ هـ ق نشریه هفتگی ملک و ملت به زبان انگلیسی منتشر شد. به واسطه انتشار این دو نشریه انگلیسی و اردو دانشمندان هند از سیاست عالم اسلام مطلع می‌شدند. در سال ۱۹۱۳ به مناسبت جنگ ترابلس غرب [لیبی] تا مدتی دو روزنامه به اسم حبل‌المتین به زبان اردو و زبان بنگالی اشاعه کرد و به همین وسیله متجاوز از نهصد هزار روپیه اعانه برای صلیب احمر ترکی [عثمانی] جمع آوری کرد و به اسلامبول فرستاد. در سال ۱۹۱۵ میلادی حبل‌المتین انگلیسی هفتگی را چاپ و توزیع کرد و در ایام جنگ جهانگیر [اول] این جریده خدمت بزرگی به هندوستان کرد. تمام این جراید اساساً به روی افکار آقای مؤیدالاسلام اشاعه یافته و به سرمایه وی بوده است و همه نیز ادامه یافته اند تا این که حکومت آن‌ها را موقوف کرده است.

وطن پرستی مؤیدالاسلام بزرگ‌ترین گناه او نزد انگلیسی‌ها است!

(نقل از روزنامه فوروارد کلکته)! اخیراً کس دیگری به طومار طویل فدائیان [قربانیان] امپریالیست‌های انگلیس اضافه گردید و سیدجلال‌الدین ناشر روزنامه

حبل‌المتین در کلکته مجبور شده است جریمه وطن پرستی غیرقابل تردیدش را بپردازد. حوادثی که او را مجبور کرده است از طبع روزنامه‌اش خودداری نماید و سواحل هند را ترک کند یک شعاع مظلم و تیره به اصول بوروکراتیک هند می‌اندازد. سیدجلال الدین یگانه رادمرد ایرانی در تاریخ ۱۸۸۸ م وارد هند و در کلکته بخصوص با سنگاپور مشغول تجارت گردید. پول جمع کردن ابدأ نصب العین او نبود. این عالم ایرانی به واسطه الهامات وطن پرستی مشغول نشر روزنامه حبل‌المتین در ۳۲ سال قبل گردید.

روزنامه «انگلیسی مان» این طور می‌نویسد که کمتر روزنامه نفوذ حبل‌المتین را برای ایجاد فکر تازه به کار برده است. روزنامه «جرکینگ» این طور توصیف می‌کند که حبل‌المتین یکی از معروف‌ترین و مشهورترین روزنامه‌ها است. روزنامه حبل‌المتین در تمام شهرهای ایران، افغانستان، ترکیه، روسیه و بالاخره در هر جایی که زبان ایرانی پیدا شود دریافت می‌شود. برای این که عضو وطن پرست ایرانی است و همچنین وطن پرستی آشکار اوست که بزرگترین گناه او نزد انگلیسی‌ها شده است. سیدجلال الدین یگانه عنصر وطن پرست هر قسم حکم و اجحافات را بر منافع غیرمشروع و هتک احترام و آبرو ترجیح می‌دهند. دولت انگلیس ابدأ جایی برای این قبیل خارجی‌ها ندارد و به تثبیت به قانون ۳ - ۱۸۶۴ - او را تهدید به مهاجرت نموده و از بذل هیچ گونه قوای خارق عادت به بوروکراسی برای اخراج هر خارجی که بر خلاف مشی آن‌ها حرف بزند خودداری نخواهد کرد.

کدام است سخت‌ترین حکم برضد یک ایرانی شخصی که عملاً هند را موطن خود قرارداده و از خدماتش آن طور در مظلم‌ترین ساعات انگلیسی تحسین و تقدیر می‌شد؟

چرا بوروکراسی^۱ که آن طور صدای تمجیدش برای وطن پرستی در روزنامه حبل‌المتین در ۱۹۱۵ م - بلند بود ناگهان لحن مخالفت آغاز و از هیچ گونه اتهام خودداری نکرد؟

سر این حقیقت آن قدر عمیق نیست که کسی بخواهد در اطراف آن فکر کند. در مدت جنگ عمومی مادامی که دولت انگلیس خود را متعهد انجام وظیفه متبوع خود برای استحکام سلطنتش در شرق وسطی و شکست قوای آلمان و ترک نمودن و

مشغول محافظت دهانه خلیج فارس کردن این برای نقشه او اساسی بود که با بی طرفی ایران همراهی نموده و سید جلال الدین سیاستمدار آن عصر خدمات او را تقدیر و قلباً از نگاهداری بی طرفی ایران او را تمجید نمود.

این بدیهی است که این تقدیر از روی احساسات وطن پرستی و محض حفظ منافع مملکت مادری اش بود. به اندازه کافی اسناد هست که چطور خدمات روزنامه حبل المتین توسط سرپرسی کاکس کمیسر مالی انگلیس در بین النهرین تقدیر و تمجید شده است. مستر ارگراوت منشی خارجه حکومت هند در تاریخ ۲۰ آوریل به داوود خان جنرال قنصل ایران در هند این طور می نویسد: در تعقیب مراسله ۱۷ آوریل خاطر عالی را متذکر می سازد که شنیدم از سرپرسی کاکس که ترتیبی توسط قاصد برای ارسال مکتوباتی که مدیر حبل المتین ممکن است برای علمای نجف و کربلا بنویسند ترتیب داده، [آن مقام] علیه این مطالب را به اطلاع مدیر روزنامه رسانده. در صورتی که مکتوبی مرقوم نموده اند برای بنده احاله داده که سپس برای سرپرسی کاکس ارسال داشته که به مقصد بفرستند. مطلعین به رموز سیاست آگاهند که تا چه اندازه علمای نجف و کربلا برای استقرار قیومیت انگلیس بر عراق و بین النهرین در زمان جنگ پشتیبان خوبی بودند.^۱

مورخه ۲۵ جولای ۱۹۲۶ م پروتست ملت ایران در هند در میتینگ ۲۳ جولای که توسط مجمع ایرانی در امام باره آقای کربلایی محمد برای ملاحظه تصمیم حکومت هند در تحت قانون ۳-۱۸۰۴ راجع به حرکت سیدجلال الدین مؤیدالاسلام مدیر و ناشر حبل المتین داد تصمیم زیر به اتفاق گرفته شده:

در این میتینگ ما اعضاء انجمن ایرانی در کلکته خشم و تنفر خودمان را راجع به تصمیم حکومت انگلیس برای تبعید حضرت سید جلال الدین (با وجودی که روزنامه مزبور از هیچ گونه ابراز دوستی و نسبت به دولت انگلیس الی اکنون فرو گذار نکرده) به سمع عموم می رسانیم. ضمناً به رفتار حکومت انگلیس پروتست^۲ نموده و اظهار هم دردی با سیدجلال الدین می نمایند. حکومت هند را این طوری

۲- این اظهار نظر، برخلاف همه اسناد و مدارک تاریخی و دروغ محض است، بلکه علمای شیعه پیشاپیش هزاران نفر از نیروهای داوطلب مردمی به نبرد شدید با نیروهای انگلیس شتافتند که جنوب عراق را به اشغال خود درآورده بودند و پیشاپیش این مجاهدان شماری از مراجع تقلید بالفعل و بعدی نیز حضور داشتند و برخی از آنان به اسارت انگلیسی ها درآمدند.

۲- واژه انگلیسی به معنای اعتراض.

نصیحت می‌نمایند که اگر حقیقتاً در دشمن انگلیسی او باشد همه گونه وسایل سهل تر برای پروپاگانه^۱ ضد انگلیس در ایران آماده تر است چون بر خلاف هند که محدود وقایع قوانین است در ایران آزاد و بهتر می‌تواند احساسات ضد انگلیسی را در تمام ممالک اسلامی منتشر نماید.

زندگی عمومی مؤیدالاسلام

آقای مؤیدالاسلام علاوه بر فقه و اصول، حکمت و ریاضیات نیز تحصیل کرده است. در تحریر سبک مخصوص دارد، استعارات و کنایات در نوشته‌های خود استعمال می‌کند. آقای مؤیدالاسلام عمر خود را در سیاست گذرانید و با ادبیات و شعر زیاد مربوط نبوده است ولی برحسب اقتضاء، ذوق به شعر دارد و در ایام جوانی اشعاری گفته است که ابیات ذیل نمونه آن است:

حضرت داودای مفتاح عرش در سیاست اقتضای وقت بین زهر گردد پاد زهر از اقتضا مصطفی آن نخبه رب ودود زان که زاید آخر از هر اختلاف روسیان را انقلاب آزاد کرد ^۲ دور ایران بس دوران روس ذلت اولاد ایران بالتمام ما نمی‌خواهیم آ... و قجر	از مؤید بند کن آویز گوش مسلک پیغمبران را برگزین خضر و موسی را حکایت وانما اختلاف امتی رحمت، سرود انقلاباتی که هستند نغز و صاف اصل رومانوف ^۳ را بر باد کرد پس علاجش هم همان درمان روس زان قاجار است کن ختم کلام در سیاست قطع ید کن زین دو سر
---	--

از اشعار مؤیدالاسلام

می زند شور جنون باردگر سودای من پای بند دل بجز زنجیر زلف یار نیست	رو به صحرا می‌رود محمل نشین لیلای من چند می‌بندی سلاسل بی گنه بر پای من
--	--

۱ - واژه انگلیسی به معنای تبلیغات.

۲ - اشاره به انقلاب ۱۹۱۷ روسیه.

۳ - اشاره به خاندان حکومت روسیه که بیش از دو قرن بر آن کشور حکومت کردند.

آقای مؤیدالاسلام متوسط القامه، دارای ریش کم و چهره نمکین می‌باشد، این ایام به واسطه پیری خیلی لاغر شده است. چشم‌های او در ده سال قبل کور شده است و برای خواندن جراید و نویساندن مقالات محتاج به معاونت دیگری می‌باشد. وضع زندگی او بسیار ساده است، لباسش همیشه سرمه‌ای رنگ، خوراکش مختصر و بیشتر لبنیات است. مدتی ترک گوشتخواری کرده بود و بیشتر امراض خود را به سوزن گرفتن دفع می‌نماید. آقای مؤید بسیار شوخ و مزاح است، حتی در این پیری در شوخی و کنایه گویی از جوانان عقب نمی‌ماند، کم می‌خندد، از دروغ بسیار تفر دارد، طبعاً حساس و جواد است، جسارت اخلاقی دارد، مایل به مجالست است و به صحبت جوانان حساس و پر جوش است، تکبر ندارد. آقای مؤید در کلکته متأهل شد، دارای ۵ دختر و یک پسر می‌باشد. دختران او همه تحصیل کرده و سه نفر آنها شوهر کرده‌اند. دختر دوم او خانم فرخ سلطان چند سال دبیر ثانی حبل‌المتین بود و اخیراً به یک نفر مسلمان هندی که رشته قضاوت دارد شوهر نموده. دو دختر دیگر او اکنون مشغول تحصیل هستند. پسر آقای مؤید سید جمال اکنون دوازده ساله و مشغول تحصیل می‌باشد.

آقای مؤید که حامی و خادم اسلام است متعصب در تشیع نیست و در نظر او شیعه و سنی برادرند. آقای مؤید با وجود پیری و نابینایی خیلی جدی و زحمت کش است، خواب او شبانه روزی پنج ساعت بیشتر نیست و آثار شکستگی از او ظاهر نمی‌شود. تا سال‌های دراز دیگر خدمت به ایران خواهد کرد.

کار زیاد و مشقات فوق‌الطافه مدت ۳۹ سال روزنامه نگاری عاقبت اثر خود را بخشانید و ظهر روز ۱۹ آذر ماه ۱۳۱۰ شمسی در حالی که در دفتر خود در شهر کلکته نشسته بود دچار حمله قلبی گردید و شب ۲۴ آذر بعد از آن که معالجات بزرگترین اطبای هندوستان سودی نبخشید داعی حق را لیبیک گفت و جان را به جان آفرین تسلیم نمود و بدین نحو یکی از بزرگترین خدمتگزاران به مملکت برای همیشه رخت از جهان بر بست. پس از یک سال طبق وصیت آن مرحوم جسدش را به ایران حمل نموده و در مشهد مقدس دفن کردند روز ۲۴ آذر ۱۳۱۰ شمسی جنازه را وارد مشهد مقدس و در ایوان عباسی دفن کردند، روز بعد از طرف والی خراسان مجلس ترحیمی که خود والی خراسان در آن شرکت داشته تشکیل داده شد و آقای حاج محقق که از محدثین فاضل و برجسته مشهد بود منبر رفته و شرح مبسوطی در اطراف خدمات آن مرحوم ایراد [نمود] و مجلس در حدود غروب ختم گردید.